

راهبردهای دولت توسعه‌گرا و شکوفایی اقتصادی سنگاپور (2000-2015)

سروش امیری *

دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

چکیده

این مقاله درصدد است به تأثیر راهبردهای دولت توسعه‌گرا و عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های 2000 تا 2015 بپردازد. سنگاپور یکی از بهترین نمونه‌های توسعه و رشد اقتصادی در بین کشورهای جنوب شرق آسیاست که بدون وجود منابع طبیعی و بهره‌گیری از مواهب خدادادی توانست با مدیریت کلان و ثبات سیاست‌گذاری، خود را در زمره کشورهای توسعه یافته جهان، به جهانیان معرفی کند. بر این اساس با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با استناد به آمار و ارقام موجود در منابع مستند داخلی و خارجی به عوامل تأثیرگذار در پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های 2000 تا 2015 پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین عوامل در پویایی اقتصاد سنگاپور از سال‌های 2000 تا 2015 عبارتند از: ثبات سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی ملهم از بافت سیاسی، شرایط تجاری مناسب از جمله نیروی کار ارزان، تکثیر گفتمان اجتماعی توسعه در میان شهروندان، نیروی کار تحصیل کرده و مسلط به زبان انگلیسی و جذب نیروی کار خارجی متخصص، قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی طرفدار تجارت، بنادر پُر رفت و آمد، زیرساخت عالی حمل‌ونقل و ارتباطات، سیاست مالی باثبات، تورم اندک و مطلوب و سیاست‌های مالی تشویق‌کننده.

کلید واژه‌ها

سنگاپور، توسعه، فساد، دولت، پویایی اقتصاد.

* Email: suroush.jnu@gmail.com.

بیان مسئله

سنگاپور از جمله کشورهایی است که شیب پرشتاب آن در مسیر توسعه و پیشرفت اقتصادی همواره، مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران بوده است. به بیان بهتر، استراتژی اقتصادی جمهوری یا دولت-شهر کوچک سنگاپور در جنوب شرقی آسیا، با جمعیتی اندک بیش از پنج میلیون نفر، منابع طبیعی ناچیز و دسترسی محدود به آب‌های شیرین، همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. کمتر کشوری در دنیا طی تنها 50 سال تغییری پانزده برابری در آمد سرانه (در مقایسه با حدود سه برابر در ایالت متحده و انگلیس) داشته است. امید به زندگی در سنگاپور نزدیک به 82 سال است که این رقم 3 سال بیشتر از آمریکا و کانادا است. نرخ مرگ‌ومیر در این کشور کمتر از میانگین آمریکای شمالی و اروپاست. به علاوه، شاخص‌های آموزشی نیز در این کشور کوچک قابل مقایسه با کشورهای صنعتی است. ولی آیا سیاست‌های اقتصادی عامل موفقیت این کشور از زمان استقلال این کشور از بریتانیا است یا دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، نقش مهم‌تری در پیشرفت این کشور داشته‌اند؟ سنگاپور در حالی توسعه خود را آغاز کرد که بنیان‌گذاران این کشور، سنگ‌بنای این کشور را بر مبنای اقتصاد بازار آزاد بنا نهادند. امروزه سنگاپور دومین کشوری است که اقتصادی آزاد دارد و شفافیت اقتصادی در این کشور در سطح بسیار بالایی است. بر مبنای شاخص‌های تجارت جهانی، سنگاپور چهاردهمین صادر کننده بزرگ و پانزدهمین وارد کننده در دنیاست. هم‌چنین این کشور کوچک با بهره‌گیری از بنادر توسعه یافته خود بالاترین نرخ تجارت خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی در دنیا را داراست؛ به طوری که این نسبت در حال حاضر 390 درصد (در مقایسه با 31 درصد در ایالات متحده) است. نمی‌توان با قطعیت گفت که کدام یک از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در سنگاپور بیشترین تأثیر را در پیشرفت این کشور داشته است یا این که آیا این سیاست‌گذاری‌ها در سایر کشورها قابل پیاده هستند یا نه؛ ولی در نقش مجریان این کشور در این موفقیت شکی نیست. موفقیتی که بخش مهمی از آن ناشی از سیاست‌های موفق دولت سنگاپور با سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش صنعت، تجارت و حمل‌ونقل بود که همراه با مدیریت موفق عرضه و تقاضا در بازار کار، شکوفایی اقتصادی این کشور را به ارمغان آورده است. بر این اساس این پژوهش درصدد است عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های 2010 تا 2015 را مورد تحقیق و واکاوی قرار دهد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پاسخ به این پرسش اصلی است، عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های 2010 تا 2015 (چه مواردی بوده است؟ موفقیت ممتاز جغرافیایی سنگاپور در قلب کشورهای آ. سه. آن، نیروی کار متخصص، توجه به نظام آموزشی، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و ورود کنترل شده دولت به بخش اقتصاد و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی از عوامل اصلی توسعه اقتصاد سنگاپور بوده است.

چارچوب نظری

پیشینه پژوهش

«گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول»¹(2015). یکی از تحقیقات ارزشمند در مورد اقتصاد سنگاپور مابین سال‌های 2000 به بعد به حساب می‌آید که توسط صندوق بین‌المللی پول² به رشته تحریر در آمده است. در این پژوهش به طور مبسوط به ریشه‌های توسعه اقتصادی و درآمدهای اقتصادی در سنگاپور اشاره شده است.

مقاله «تحول اقتصادی در سنگاپور»¹ عنوان مقاله‌ای است که در سال 2014 توسط بنیاد توسعه جهانی² به چاپ رسیده است و منبعی ارزشمند در حوزه مطالعات اقتصادی سنگاپور هست. این مقاله در سه فصل گردآوری شده است که فصل اول آن به اقتصاد سنگاپور، فصل دوم آن به اهمیت بالای سرمایه‌گذاری در اقتصاد این کشور و فصل سوم به تجزیه و تحلیل اجزای نظام آموزشی و تأثیر تخصص در اقتصاد خدمات محور سنگاپور پرداخته است.

امید اصغری (1393)، در مقاله‌ای تحت عنوان فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی در سنگاپور که در مجله علمی. تکفا. شماره 20، به چاپ رسیده، به تأثیر فناوری اطلاعات در پویایی اقتصادی سنگاپور پرداخته است. بر این اساس تجارت الکترونیکی عبارت از تبادل اطلاعات، محصولات و خدمات از طریق شبکه‌های رایانه‌ای از جمله اینترنت است. اشکال مختلف تجارت الکترونیکی از سال‌های 1970 تاکنون توسط کشورها به‌طور وسیعی به‌کار گرفته شده است که بررسی عملکرد هر یک از این کشورها نکات ارزشمندی را در جهت برنامه‌ریزی دقیق در این حوزه فراهم می‌کند. در این مقاله نویسنده سعی دارد اثرات تجارت الکترونیکی در کشور سنگاپور را به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار دهد. این مقاله پس از بررسی زیرساخت تجارت الکترونیکی در این کشور، به تشریح وضعیت موجود و برنامه‌های این کشور برای توسعه‌ی تجارت الکترونیکی پرداخته است.

منصوره روستایی (1389)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان جهانی شدن اقتصاد و وضعیت شغلی زنان (مقایسه موردی ایران و سنگاپور) که در دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی به چاپ رسیده به موضوع نقش زنان در توسعه اقتصادی سنگاپور پرداخته است. بر این اساس جهانی شدن جنبه‌های گوناگونی از زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار داد که بخش اقتصاد پیشنازترین و مهم‌ترین آن‌هاست. جهانی شدن اقتصاد وسیله‌ای است که کشورهای در حال توسعه می‌توانند از طریق آن نیازهای خود را برآورده کرده و در مسیر توسعه گام بردارند. این پدیده حاکی از کم شدن موانع بازرگانی بین‌الملل و افزایش خصوصی سازی و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و لذا افزایش نقش شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد جهانی است. از سوی دیگر زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشورهای توسعه یافته بخش قابل توجهی از جمعیت فعال این کشورها را تشکیل می‌دهد و به اقتصادهایشان رونق دوچندان بخشیده‌اند. لذا پژوهشگر درصدد است تا تأثیر یک مؤلفه مهم جهانی را بر وضعیت شغلی زنان و تبعات ناشی از آن مورد بررسی قرار دهد.

سه مرحله تحول در اندیشه توسعه

تاریخ و سیر تحولات توسعه شاهد سه مرحله مختلف از جهت‌گیری نسبت به مداخله دولت‌هاست: مرحله اول که دولت را عامل اصلی و نیروی غالب توسعه قلمداد می‌کرد، بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم شروع شده و تا اواخر دهه‌ی 1970 میلادی ادامه می‌یابد. مرحله دوم که مترادف با ظهور مجدد اندیشه‌های نئوکلاسیکی در اقتصاد توسعه است، فاصله زمانی 1978 تا 1997 را در بر می‌گیرد و مرحله سوم که با انتشار کتاب «نقش دولت در جهان در حال تحول» به‌وسیله‌ی بانک جهانی در سال 1997 شروع شده و هنوز ادامه دارد (جرالد میر 1382).

دولت و توسعه

توسعه‌گرایی³ و دولت‌های توسعه‌گرا¹ از جمله واژه‌ها و مفاهیم جدید ادبیات توسعه به‌شمار می‌آیند که عمدتاً از اواسط دهه 1980 و پس از آن مورد توجه نظری و عملی قرار گرفته‌اند. توسعه‌گرایی بیانگر تمایل و گرایش شدید یک جامعه و یا

1- Singapore's Economic Transformation.
2- Global Development foundation.
3- Developmentalism.

نخبگان آن به تحول ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جهت نوسازی، پیشرفت صنعتی شدن، تولید و رفاه است (شیرزادی 25392). تحول تاریخی نقش دولت در روند توسعه یکی از مباحث عمده در حوزه گفتمان توسعه، نقش دولت در ایجاد تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. از قرن هفدهم میلادی تا پایان قرن بیستم، چهار دیدگاه عمده در این خصوص ارائه شده است:

اول، نظریه پردازانی که بر وجود دولت کوچک و سرمایه‌داری بازار تأکید داشتند. این دیدگاه پس از ظهور تجدد اولیه، بحران مذهب و کلیسا، پیدایش ایدئولوژی فردگرایی و لیبرالیسم، بحران دولت‌های مطلقه و وقوع انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی، پیدایش فلسفه روشنگری و تأکید آن بر عقل، آزادی، آگاهی، پیشرفت و به‌طور کلی ظهور انسان در عصر جدید، ارائه شدند که شامل قرون 17 و 18 میلادی می‌شد و برجسته‌ترین نظریه‌پرداز آن، جان لاک² انگلیسی بود (شیرزادی، 45390)؛ دوم، نظریه‌پردازانی که بر نقش دولت در هدایت تحولات اقتصادی - اجتماعی تأکید می‌کنند. از اوایل قرن نوزدهم میلادی به بعد، در شرایط متحول اقتصادی و اجتماعی، دیدگاهی تکوین یافت که بر نقش تعیین کننده دولت در زندگی اجتماعی، تأکید می‌کرد. چند تحول در این زمینه مؤثر بودند: بحران اولیه در اقتصاد سرمایه‌داری در دهه 1890، تحولات فناورانه اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که به‌عنوان انقلاب صنعتی دوم شناخته شده‌اند (شیرزادی 1390

47

پس از انتشار کتاب نظریه عمومی کینز (1936) و خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، رویکرد غالب در اقتصاد توسعه، با بهره از اندیشه‌های کینز، بر اساس حضور و مداخله مؤثر دولت در اقتصاد شکل گرفت (در سال 1969 نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا گفته بود: در حال حاضر، همگی کینزی هستیم) این دوره تا اواخر دهه 1970 ادامه یافت؛ اما شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را نداشته و در برابر فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و بیشتر آن‌ها زیان دیده‌اند. در چنین شرایطی، دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که خصوصی سازی را یک هدف و کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند، به شدت رواج یافت.

کاستی‌های نظری اجماع واشنگتنی

منتقدین نئولیبرالیسم اقتصادی معتقدند که چند عامل سبب ارزیابی درباره سیاست‌های اجماع واشنگتنی، از جمله نقش بهینه دولت، در توسعه اقتصادی شد:

1. اقتصاددانان و تصمیم‌گیران به این واقعیت پی بردند که عملکرد رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در طول دهه 1980 بسیار بد بوده است؛² 2. اقتصاددانان دریافتند که گرچه بیشتر کشورهای رو به توسعه در دهه 1980 عملکرد ضعیفی در زمینه رشد داشتند؛ ولی کشورهای آسیای شرقی و برخی از کشورهای جنوب آسیا، که در آن‌ها دولت‌ها به نقش فعال خود ادامه داده‌اند، به رشد بسیار خوبی رسیدند؛³ 3. در دهه 1980، در کشورهای OECD واکنش قدرتمندی علیه فلسفه نئولیبرال شکل گرفت، که باعث اتخاذ یک موضع فعال از جانب دولت شد. در بیشتر کشورهای غربی دولت‌های کارگری جانشین دولت‌های محافظه‌کار شدند و نفوذ بین‌المللی ژاپن، که در آن دولت نقش فعالی را بازی می‌کند، افزایش یافت و 4. متفاوت بودن موفقیت اصلاحات در کشورهای رو به توسعه در دهه 1980، نهادهای بین

1- Developmental States.

2- Joon Locke.

3- Organization for Economic Co- Operation and Development.

المللی را به درک این امر کمک کرد که این دولت‌های توانا متعهدند که اصلاحات را پیش می‌برند و اداره می‌کنند (آدلمن 1999).

آدلمن¹ نیز (آدلمن 1999) معتقد است که نظریه‌ی نئوکلاسیک توسعه از این واقعیت غفلت کرده که نمی‌توان مفروض‌های اقتصاد نئوکلاسیک را که برای تضمین تعادل‌های نئوکلاسیک بازار ضروری است، برای کشورهای در حال توسعه به کاربرد. بازار در کشورهای در حال توسعه بدون تحرک بوده، ناکامل و ناکارآمد است و دارای اطلاعات ناقص و غیرقابل پیش‌بینی هست. بیشتر این کشورها پایه‌های نهادین یک اقتصاد نئوکلاسیک را ندارند و نمی‌توان این پایه‌ها را یک‌شبه خلق کرد. تعادل‌های بازار به توزیع اولیه ثروت بستگی دارد؛ اگر این توزیع بهینه نباشد یک اقتصاد نئوکلاسیک، حتی رفاه اجتماعی ایستا را به حداکثر نمی‌رساند. هم‌چنین طرفداران نئوکلاسیک توسعه از نظریه بهینه دوم غفلت کردند، چون حذف همه قیدوبندهای نظارتی بازارها ناممکن است.

جدول (6): نام اقتصاددان و سال ارائه مقاله انتقادی از سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیسم

نام منتقد	تاریخ ارائه مقاله انتقادی	نام منتقد	تاریخ ارائه مقاله انتقادی
آریل بوریا	2004	بورسوک ریچارد	1999
استرن نیکلاس	2001	پیژورسکی آدام	1993
استریتن پل	1994	آریل بوریا	2004
استیگلیتز جوزف	1999-1999-1999-2000	توی جان	1993
آمار تیاسن	1999	رودریک	2003
باردهان پراناب	2002	سانجر دیوید	2002
باربو رابرت	1998	فاین بن	2003
براود رابین	2004	کروگر آنه	2004
بلاستین پال	1998	کروگمن پال	1999
بهداری آمیت	2000	کوک پاتریک	1995
بهاگواتی جاگدیش	2000	لعل شانجی	2003

(یوسفی 1385)

پس از تجربه‌های تلخ ناشی از اجرای توصیه‌های سیاستی اجماع واشنگتنی، بسیاری از طرفداران مشهور، از آن فاصله گرفتند. جدول (6) نام‌های برخی از صاحب‌نظران برجسته که به نقد سیاست‌های تعدیل پرداخته‌اند را نشان می‌دهد.

شکل‌گیری اجماع جدید

با توجه به مطالب ارائه شده، برخی از سیاست‌گذاران و اقتصاددانان به تدریج به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های گذشته (اجماع واشنگتنی) برای بهبود فرآیند توسعه کامل نیست. در این شرایط به‌مرور افکار تجدیدنظر طلبانه‌ای در ادبیات توسعه اقتصادی با عنوان «اجماع پساواشنگتنی» شکل گرفت. پس از مطالعه بسیار، بانک جهانی نیز نارسایی‌های سیاست‌های اجماع واشنگتنی را پذیرفت و از طریق اقدام‌ها و سیاست‌های تکمیلی معروف به اصلاحات نسل دوم یا

1- Adelman.

اجماع پساواشنگتنی، سعی در اصلاح سیاست‌های گذشته خود نمود. در همین مورد، بانک جهانی می‌گوید: «شواهد و رویکردهای جدید تئوریک بحث را عمیق‌تر کرده و مسائل را تغییر داده است. یکی از ویژگی‌های دلگرم‌کننده تحلیل مدرن توسعه تأکید فزاینده بر اسناد و شواهد است. ما کمتر نظرات ساده استاندارد زندگی و رفاه و لذا فقر و نابرابری را ارائه می‌نماییم. به‌همین ترتیب، توجه بیشتری به درک فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی داریم که آموزش و بهداشت را ارتقا می‌دهند» (یوسفی 1385).

در رویکرد اجماع پساواشنگتنی، بیان می‌شود که علت‌های شکست، بسیار ریشه‌دار بوده و به بدفهمی مبانی اقتصاد بازار و نیز ناتوانی از درک مبانی روند اصلاحات مربوط است. از سوی دیگر، بخشی از مشکل به‌خاطر اتکای بیش از حد به مدل‌های کتب درسی علم اقتصاد بود. به‌ویژه آن‌که کتب درسی به شیوه‌ی معمول به مدل‌های نئوکلاسیکی متکی بوده و بقیه مکاتب (از قبیل آن‌چه شوپیتز¹ و هایک² مطرح کرده و بصیرت بیشتری درباره وضعیت اقتصادهای در حال گذار به ما می‌بخشند) کمتر مورد توجه واقع می‌شود (استیگلیتز «ب» 6999). مطابق رویکرد اجماع پساواشنگتنی، سیاست‌های اصلاحی نیازمند رشد در تمام سطوح اجتماعی است و نباید به‌صورت نسخه‌های از قبل تعیین شده از طرف سازمان‌ها و نهادهای خارجی به کشورهای گوناگون تحمیل شود (کولودکو 2926999). اقتصاددانانی مانند جوزف استیگلیتز³، استاد اقتصاد دانشگاه کلمبیا و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال 2001، توسعه این کشور را مرهون سیاست‌های این کشور در کاهش نابرابری اقتصادی می‌دانند. استیگلیتز معتقد است نظام مالیاتی و راه‌اندازی «صندوق آینده‌نگر»⁴ تأثیر چشم‌گیری در توزیع عادلانه درآمد و به‌تبع آن جهش اقتصادی سنگاپور داشته‌اند. طبق قوانین، 36 درصد درآمد افراد جوان در صندوقی ذخیره می‌شود تا بعدها به‌عنوان منبعی برای پرداخت هزینه‌های بیمه سلامت، مسکن و بیکاری باشد. نابرابری اقتصادی منتهی به نابرابری در توزیع قدرت می‌شود و جامعه‌ای که در آن توزیع ثروت عادلانه‌تر است، شهروندان قدرت بیشتری داشته و رانت‌خواری که یکی از بازدارنده‌های توسعه اقتصادی است، رواج کمتری دارد.

متغیر مستقل: موقعیت جغرافیایی، راهبردی، نظام آموزشی و نقش کنترل شده دولت در اقتصاد



متغیر تابع: پویایی اقتصادی سنگاپور

یافته‌ها

تجربه آسیای شرقی

مشاهده توسعه موفق و حتی بنا به برخی گفته‌ها، معجزه آسیای شرقی، یکی از انگیزه‌های حرکت به فراسوی اجماع واشنگتنی بود. ترکیبی از پس‌انداز بالا، سرمایه‌گذاری در آموزش پرورش و سیاست صنعتی هدایت شده از سوی دولت، منطقه را به یک موتورخانه اقتصادی بدل کرده بود. برای چندین دهه نرخ رشد اقتصادی منطقه فوق‌العاده بود و سطح زندگی ده‌ها میلیون نفر به‌شدت بالا رفته بود. منافع رشد اقتصادی هم به‌گونه‌ی وسیعی میان همه تقسیم شده بود. البته

1- Schumpeter.

2- Hayek.

3- Gozeph eugena stiglitz.

4- Prospective fund.

مشکلاتی هم در روش توسعه اقتصادی آسیایی وجود داشت؛ اما در کل دولت‌های منطقه راهبردی را برگزیدند که تنها نقطه اشتراک آن با «اجماع واشنگتنی»، اهمیت دادن به ثبات اقتصاد کلان بود (استیگلیتز «الف» 12382). از اوایل دهه 1990، با تشدید فشارهای صندوق بین‌المللی پول و خزانه‌داری آمریکا بر روی کشورهای شرق آسیا برای آزادسازی حساب سرمایه، کارشناسان غربی مطمئن شده بودند که طلوع عصر جدیدی فرا رسیده است. صندوق بین‌المللی پول و خزانه‌داری آمریکا بر این باور بودند که آزادسازی کامل حساب سرمایه باعث می‌شود که این منطقه حتی رشد‌های سریع تری را تجربه کند؛ بنابراین، با اعمال فشار، اقتصادهای آسیای شرقی را به آزادسازی بازار سرمایه وادار کردند. سرانجام روز دوم ژوئیه 1997 فرا رسید، وقتی «بات»¹ (پول ملی تایلند) سقوط کرد، هیچ‌کس نمی‌دانست که این آغاز بزرگ‌ترین بحران پس از «رکود بزرگ»² هست و بحرانی است که تمامی جهان را در برابر تهدید قرار خواهد داد. استیگلیتز معتقد است که آزادسازی سرمایه، حتی برای کشورهای دارای نهادهای مالی قدرتمند، می‌تواند خطرناک باشد. بنابراین، از نظر او، آزادسازی حساب سرمایه، بزرگ‌ترین اشتباه کشورهای شرق آسیا بود که فاقد نهادهای مالی قدرتمند بودند (استیگلیتز، 2003). عامل بسیار مهمی که باعث تشدید این بحران شد، تغییر جریان سرمایه از تمایل برای ورود به تمایل برای خروج بود؛ شاید واقعاً هیچ کشوری نتواند این تغییر ناگهانی را تحمل نماید. به‌طور نمونه، در مورد تایلند جریان خروج سرمایه به 79 درصد تولید ناخالص ملی در 1997، 123 درصد در 1998 و 7 درصد در 1999 رسید. مشخص است که کشورهای در حال توسعه توان رویارویی با این حجم عظیم خروج سرمایه را نخواهند داشت (استیگلیتز «الف» 1382)

130

جغرافیای سنگاپور

کشور کوچک سنگاپور از منظر جغرافیایی در منطقه جنوب شرق آسیا در تنگه مالاکا بین اقیانوس هند و اقیانوس بزرگ آرام واقع شده است. این کشور کوچک‌ترین کشور مستقل آسیاست و از یک جزیره اصلی و 60 جزیره کوچک تشکیل شده است. جزیره‌ای که امروزه سنگاپور خوانده می‌شود از قرن سوم میلادی برای کاشفین دریانورد چینی شناخته شده بود و آن Puluochung که تلفظ ناقص لغت مالایی Pulau Ujong به معنای جزیره‌ای در منتهی‌الیه شبه جزیره هست، می‌خواندند. به طوری که در سالنامه‌های قدیمی مالایی‌ها ذکر گردیده. نام امروزی سنگاپور را شاهزاده هندی به نام اسنف نیلا اوتاما³ بر روی این سرزمین گذاشت (Hill, 1995: 12). در سنگاپور سه منطقه مشخص وجود دارد: 1- مرکز کشور که ناحیه‌ای است کوهستانی با ذخایر سرشار طبیعی مخصوصاً گرانیت، 2- ناحیه شرقی که پوشیده از شن‌های روان و سنگ‌ریزه است و 3- ناحیه جنوب غربی با سنگ‌های رُسی و سیاه که خود باعث ایجاد دره و فرورفتگی‌ها شده است (King, 2008: 3-4). مساحت جزیره اصلی که کشور سنگاپور در آن واقع شده، از غرب به شرق 42 کیلومتر و از شمال به جنوب 23 کیلومتر است. البته مساحت کل سنگاپور با جزایر کوچک‌تر مجموعاً 647 کیلومتر مربع است که 326 کیلومتر مربع از آن را مناطق مسکونی، 108 کیلومتر مربع را منطقه کشاورزی، 286 کیلومتر مربع از آن را جنگل، 15 کیلومتر مربع آن را مناطق باتلاقی و آبیگری و 271 کیلومتر مربع از آن را فضاهای باز، مناطق مسکونی که مورد استفاده تأسیسات نظامی قرار دارند، تشکیل شده است. تنگه سنگاپور که یکی از اصلی‌ترین مجراهای ورود و خروج کشتی‌های عظیم تجاری در این کشور است طولی معادل 105 کیلومتر دارد که بین تنگه مالاکا

1- Baht.

2- Great Depression.

3- Snaf Nila Utama.

در غرب و جنوب دریای چین در شرق واقع شده است. این تنگه 16 کیلومتر پهنا دارد که سمت شمال آن را جزیره سنگاپور و جنوب آن را جزایر ریو¹ که بخشی از اندونزی است محاط شده است. این تنگه یکی از تنگه‌های تجاری مهم در جهان محسوب می‌شود و هم‌چنین یکی از پُر رفت و آمدترین آبراه‌های جهان است (King, 2008: 5).

جغرافیای انسانی

بر اساس آخرین سرشماری در سال 2013 در سنگاپور جمعیت این کشور 5,399,000 نفر گزارش شده است، جدول زیر نرخ رشد جمعیت سنگاپور را در مقایسه با هنگ کنگ از سال 1960 را به تصویر می‌کشد. البته باید توجه داشت در این کشور در سال‌های پرشتاب توسعه از دهه 60 میلادی، به علت افزایش استانداردهای زندگی، بهداشت و سلامتی میزان جمعیت نسبت به سال‌های پیش از آن افزایش یافته است. عواملی که بیان‌گر رشد جمعیت یک کشور هست، نسبت بین میزان تولد و مرگ‌ومیر در آن کشور و میزان مهاجرت به داخل و خارج از آن کشور است (بانک جهانی 2016). علاوه بر این که چینی‌هایی که 3 و 4 درصد جمعیت سنگاپور را تشکیل داده بودند، عده قابل توجهی از سوماترای، جاوه‌ای‌ها، هندوها، عرب‌ها، یهودی‌ها، از آسیایی‌ها و اروپایی‌ها هم در بین مهاجران وجود داشت. زبان‌های رسمی در سنگاپور، مالزیایی، چینی، تامیلی و انگلیسی هست (Mauzy, 2012: 10).

اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک سنگاپور

بسیاری از نظریه‌پردازان بزرگ اقتصاد و سیاست از جمله مانوئل کاستلز معتقد هستند که سنگاپور در دهه آینده با قرار گرفتن در میان چند قدرت بزرگ اقتصادی از جمله چین، ژاپن و کره جنوبی، نقش ویژه‌ای در اقتصاد اطلاعاتی و شبکه‌ای خواهد داشت. آسیای جنوب شرقی به علت موقعیت جغرافیایی و وفور محصولات منطقه حاره و سهولت ارتباط و دسترسی به جزایر و شبه جزایر آن بیش از دو هزار سال به صورت یک مرکز تجاری بزرگ جهان درآمده است و سنگاپور از نظر جغرافیایی در مرکز دریایی این منطقه قرار دارد. هنوز هم از نظر مبادلات تجاری و ورود کالا از اروپا و اقیانوس آرام در درجه اول اهمیت دارد و بزرگ‌ترین بندر آسیای جنوب شرقی و دومین بندر بزرگ دنیا محسوب می‌شود (Mauzy, 2012: 10).

استراتژی دفاع امنیت جامع سنگاپور

کشور کوچک سنگاپور اصول مدونی دارد که از آن با عنوان دفاع امنیت جامع نام می‌برند. مفهوم امنیت جامع،² شالوده دفاع و امنیت سنگاپور را تشکیل می‌دهد و بر سه عنصر اصلی استوار است:

1. دفاع کامل، 2. دیپلماسی و 3. ثبات داخلی (Mauzy, 2012: 113). دفاع کامل موجب بازدارندگی می‌شود؛ دیپلماسی بر بسط مناسبات با کشورها به‌ویژه همسایگان تأکید دارد و ثبات داخلی انسجام و هماهنگی اجتماعی را سبب می‌شود. استراتژی بازدارندگی دفاع کامل کلیه قشرهای جامعه، دولت، بخش خصوصی و مردم عادی را با یکدیگر در دفاع از کشور متحد می‌سازد و در عین حال با اذعان به این که بازدارندگی به‌تنهایی نمی‌تواند متضمن صلح باشد، به‌ویژه برای کشور کوچکی نظیر سنگاپور جلب حداکثر ممکن کشورها و دولت‌ها، این اطمینان را به سنگاپور می‌دهد که در مواقع مواجهه با بحران تنها نخواهد بود (Mauzy, 2012: 10). ثبات داخلی نیز نقش در خُور توجهی در هرگونه وضعیت بحران را ایفا می‌کند. ثبات داخلی به مفهوم حفظ انسجام، هماهنگی و تساهل اجتماعی را تغییر می‌دهد. این موضوع برای کشور سنگاپور که یک کشور چندین نژادی است بسیار اهمیت دارد تا بتواند وحدت ملی را بین رهبران و

1- Riau.
2- Total Security.

مردم حفظ نمایند (Tan, 2007: 32). در سیستم دفاع جامع سنگاپور، دفاع کامل مقولاتی چون دفاع روانی، دفاع اجتماعی، دفاع غیر نظامی، دفاع اقتصادی و دفاع نظامی را در بر می‌گیرد. دفاع اجتماعی به حفظ انسجام در میان جامعه چند نژادی سنگاپور خنثی کردن تلاش‌های مخرب عناصر افراطی می‌پردازد. دفاع اقتصادی بر پایه این مفهوم شکل گرفته که سطوح بالای درآمد در سنگاپور در طی یک نسل بدون برخورداری از منابع طبیعی و صرفاً با تأکید بر نیروی انسانی، مهارت‌های فن‌آوری و سرمایه‌گذاری اساسی به‌دست آمده است (Tan, 2007: 34).

تصمیم‌گیران سیاست خارجی در سنگاپور معتقدند این کشور از عمق استراتژیک برخوردار نیست. بر اساس این استراتژی و به‌جهت عدم برخورداری از عمق استراتژی نیروهای مسلح سنگاپور برای کسب آمادگی دست زدن به عملیات تهاجمی آموزش داده می‌شوند تا بتوانند حتی الامکان صحنه جنگ را از خاک کوچک خود دور کند. وجود روابط نزدیک با کشورهای منطقه به‌ویژه مالزی برغم وجود مشاجرات لفظی و بعضاً کدورت‌های ادواری، امکان بسط همکاری‌های دفاعی را فراهم کرده است و در حال حاضر سنگاپور از تأسیسات نظامی شماری از کشورهای منطقه نظیر اندونزی، تایلند، برونئی، مالزی، زلاندنو، استرالیا، فیلیپین و بنگلادش برای آموزش و تمرین‌های نظامی کادر نیروهای مسلح خود استفاده می‌کند (Tan, 2007: 35). علاوه بر آن ترتیبات دفاعی نیرومندتری با کشورهای حوزه اقیانوسیه - خارج از منطقه آ. سه. آن - مانند استرالیا، زلاندنو و آمریکا معمول شده است. واحدهایی از وزارت دفاع سنگاپور در ایالت تگزاس آمریکا برای آموزش کادر خلبانی هواپیماهای سوخت‌رسان و بالگردهای شینوک مستقر شده‌اند.

اقتصاد و مراحل توسعه در سنگاپور

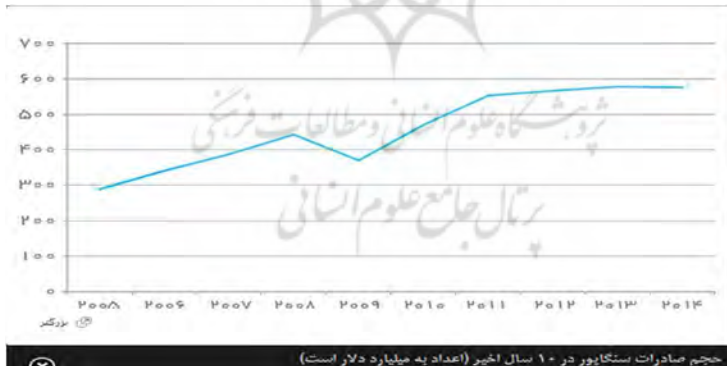
سیر تکوین مراحل اقتصادی سنگاپور

سنگاپور در سال 1965 با جدایی از مالزی خود را به‌عنوان یک کشور استقلال یافته مطرح ساخت. پس از استقلال سنگاپور از مالزی در سال 1965 میلادی، سنگاپور با یک بازار داخلی بسیار کوچک، سطح بالایی از بیکاری و فقر مواجه بود. 70 درصد از جمعیت این کشور در شرایط بسیار بدی در مناطق پرجمعیت زندگی می‌کردند. محل زندگی یک‌سوم از جمعیت سنگاپور در محله‌های فقیرنشین و در حواشی شهرها بود؛ هم‌چنین بیش از نیمی از مردم سواد نداشتند. متوسط نرخ بیکاری 14 درصد و سرانه تولید ناخالص داخلی در این کشور در سطح 516 دلار آمریکا قرار داشت (Lee, 2000: 164). سنگاپور در دهه 90 در یک اقدام پُر ارزش، افزایش سرمایه‌گذاری در سنگاپور، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری را موجب شد. با پیگیری سیاست ترغیب افزایش سرمایه‌گذاری خارجی ارزش بازار سهام سنگاپور در سال 1992 رقمی حدود 33 برابر افزایش پیدا کرد، به‌طوری‌که در این سال نسبت سرمایه به نیروی کار این کشور افزایش 10 برابری داشت. سطح زندگی مردم به‌طور پیوسته‌ای افزایش داشت و خانواده‌های بسیاری با افزایش سطح درآمد از طبقه فقیر به طبقه متوسط تبدیل شدند. این موفقیت‌ها طوری بود که طی سخنرانی بزرگداشت سالگرد روز استقلال سنگاپور در سال 1987 لی کوان‌یو نخست‌وزیر وقت سنگاپور گفت؛ در حال حاضر می‌توان 80 درصد از جمعیت کشور سنگاپور را از طبقه متوسط دانست. در حالی‌که برخلاف بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و یونان، سیاست تأمین اجتماعی خصوصی از سوی سیاست‌گذاران سنگاپوری در پیش گرفته شد این موضوع منجر به افزایش نرخ پس‌انداز و توسعه پایدار اقتصادی در بلندمدت شد (Tan, 2007: 39). بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول اقتصاد سنگاپور در سال 1999 با رشد اقتصادی 61 درصدی توانست بحران اقتصادی را که در سال 1998 کشورهای منطقه را درگیر کرده بود پشت سر بگذارد و حتی رشد اقتصادی این کشور در سال 2000 به سطح 8/9 درصد رسید. در حالی‌که کاهش رشد اقتصادی در آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا هم‌چنین سقوط بازارهای محصولات الکترونیکی در جهان باعث شد رشد اقتصادی سنگاپور

در سال 2001 منفی یک درصد شود؛ اما این کشور توانست در سال‌های 2002 و 2003 به ترتیب 4/2 و 4/4 درصد بر اندازه اقتصاد خود بیافزاید (صندوق بین‌المللی پول 2011)¹. اقتصاد سنگاپور در بحران اقتصادی سال 2003 آزمون سختی را پشت سر گذاشت. سنگاپور با پشت سر گذاشتن مشکلات ناشی از شیوع بیماری سارس در سال 2003 توانست در سال 2004 رشد اقتصادی خیره‌کننده‌ای را ثبت کند و 95 درصد بر اندازه اقتصاد خود نسبت به سال قبل بیافزاید. در سال‌های 2005 و 2006 نیز روند رشد اقتصادی این کشور با نرخ‌های 7/5 و 8/9 درصد ادامه پیدا کرد. پس از کاهش رشد اقتصادی سنگاپور در پی وقوع بحران جهانی در سال‌های 2008 و 2009 این کشور توانست به‌خوبی این بحران را در سال 2010 با ثبت نرخ رشد اقتصادی 15/2 درصد پشت سر بگذارد. رشد اقتصادی سنگاپور در سال 2014 رقمی معادل 2/9 درصد بوده است و کارشناسان انتظار ادامه این روند برای سال‌های آتی را دارند. در آخرین آمار منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول نرخ بیکاری سنگاپور در سال‌های 2013 و 2014 به ترتیب 1/9 و 2 درصد بوده است (صندوق بین‌المللی پول 2011)².

جذب و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در سنگاپور

جذب و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در سنگاپور یکی از کارویژه‌های مهم دولت بود. درآمدهای عمومی در سنگاپور در مسیر سرمایه‌گذاری هم‌چنین به‌عنوان کاتالیزوری در جهت رشد اقتصادی و نوآوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. دولت سنگاپور مدیریت ذخایر این کشور را از طریق دو صندوق ثروت ملی تماسک و GLC بر عهده دارد. در ابتدا سیاست دولت در مدیریت این صندوق‌ها مبتنی بر تعمیق رشد و توسعه اقتصادی بوده است؛ اما در دهه‌های اخیر اهداف صندوق‌های ثروت ملی سنگاپور به‌سمت اهداف تجاری متمایل شده است.



شکل 3: منبع: وب‌سایت بانک جهانی³

1- صندوق بین‌المللی پول، چشم‌انداز اقتصاد جهانی و نقش آسیا در چشم‌انداز جهانی، وب‌سایت صندوق بین‌المللی پول، بازدید شده در 1395/4/15

The Global Economic Outlook and Asia's Role in the Global Economy
<http://www.imf.org/external/np/seminars/eng/mas/>

2- صندوق بین‌المللی پول، چشم‌انداز اقتصاد جهانی و نقش آسیا در چشم‌انداز جهانی، وب‌سایت صندوق بین‌المللی پول، بازدید شده در 1395/4/15

The Global Economic Outlook and Asia's Role in the Global Economy
<http://www.imf.org/external/np/seminars/eng/mas/>

3- وب‌سایت بانک جهانی، سنگاپور، جمعیت، بازدید شده در 1395/4/3:

<http://data.Worldbank.org/country/singapore>

تحلیل ساختار اقتصاد سنگاپور

سیستم بانکها در اقتصاد سنگاپور

یکی از داعیه‌های اصلی ساختار اقتصادی سنگاپور فسادستیزی است. فرار مالیاتی در سنگاپور غیرقانونی است، با این حال سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در گزارشی اعلام کرده است مقامات مالیاتی سنگاپور تنها در پرونده‌هایی که مالیات دولت سنگاپور پرداخت نشده است تمایل به همکاری دارد.

بیوتکنولوژی

سنگاپور به میزان بسیار زیادی برای توسعه و گسترش صنعت بیوتکنولوژی سرمایه‌گذاری کرده است. آن‌ها تلاش بسیاری را در جهت ایجاد زیرساخت‌ها، انجام تحقیقات و جذب سرمایه‌ها و محققان بین‌المللی برای رشد صنعت بیوتکنولوژی در این کشور انجام داده‌اند. بسیاری از شرکت‌های بزرگ داروسازی جهان در سنگاپور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در حال حاضر تولید دارو نزدیک به هشت درصد کل تولیدات سنگاپور را تشکیل می‌دهد (صندوق بین‌المللی پول، 2016)¹

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها

سنگاپور به دلیل موقعیت ترانزیتی ویژه از اصلی‌ترین نقاط فروش و قیمت‌گذاری و تجارت نفت در آسیا به‌شمار می‌رود. صنایع پالایشگاهی رقمی حدود پنج درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را بر عهده دارند به طوری که سنگاپور به یکی از سه کشور بزرگ در زمینه صادرات محصولات پالایشی تبدیل شده است. صنایع نفتی در این کشور از محرک‌های رشد صنایع شیمیایی و صنایع مربوط به ساخت تجهیزات استخراج نفت و گاز بوده است؛ به طوری که سنگاپور در حال حاضر در برخی از تجهیزات دریایی صنعت نفت صاحب سهم چشمگیری از بازار جهانی است (صندوق بین‌المللی پول، 2016)²

نیروی انسانی متخصص در سنگاپور

نرخ مشارکت نیروی کار در اقتصاد سنگاپور به‌ویژه از سال 2006 به بعد نرخ صعودی داشته است. در سال 2000 جمعیت نیروی کار سنگاپور بالغ بر 22 میلیون نفر بوده است.



شکل 4- نرخ مشارکت نیروی کار (منبع: تریدینگ اکنومیست)³

1- وبسایت صندوق بین‌المللی پول، پیشگیری از بحران در بازارهای نوظهور بازدید شده در 1395/4/15:

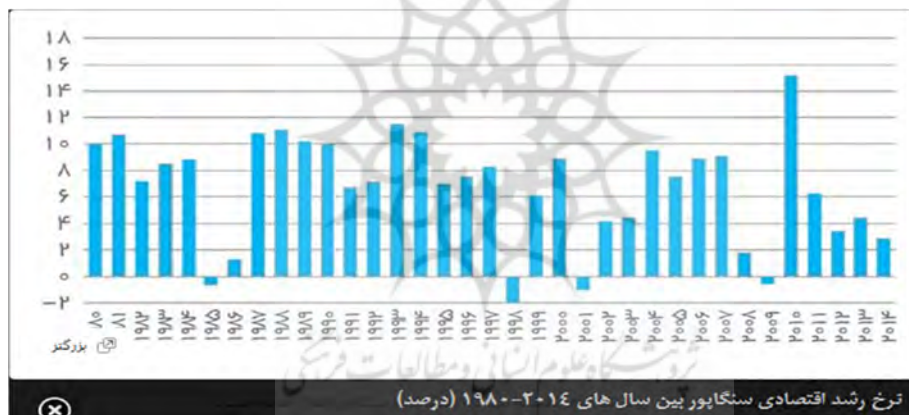
Crisis Prevention in Emerging Markets IMF-Singapore Government High level seminar Singapore, July
<http://www.IMF.org/external/np/seminars/eng/>

2- وبسایت صندوق بین‌المللی پول، پیشگیری از بحران در بازارهای نوظهور بازدید شده در 1395/4/15:

Crisis Prevention in Emerging Markets IMF-Singapore Government High level seminar Singapore, July
<http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/labor-force-participation-rate> - 3

در سنگاپور سازمانی به نام سازمان بهره‌وری سنگاپور¹ وجود دارد. این سازمان، بهره‌وری را توسعه عادت بهسازی در رفتار و نگرش افراد می‌داند. از دیدگاه این سازمان، بهره‌وری در درجه اول یک دیدگاه فکری می‌باشد که سعی در بهبود وضعیت موجود دارد. به عبارت دیگر بهره‌وری قبل از آن که یک شاخص اقتصادی باشد، یک فرهنگ است. اقتصاد سنگاپور از تاریخ 1965 تاکنون عملکرد چشمگیری داشته است. این کشور رشد بهره‌وری کل عوامل تولید یعنی **Time for print** را منبع عمده توانایی رقابت و رشد اقتصادی برای آینده می‌داند. در این کشور پنج عامل اصلی، تعیین کننده رشد **Time for print** به‌شمار می‌روند:

1). آموزش ضمن خدمت نیروی کار یعنی توسعه نیروی انسانی، 2). بازسازی اقتصادی، برای قادر ساختن انتقال منابع به بخش‌هایی با بهره‌وری بالاتر، 3). ساختار سرمایه‌ای اقتصاد این کشور که بهره‌وری بالقوه داده‌های سرمایه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد، 4- پیشرفت فنی که منعکس کننده ابتکار، استفاده از تکنولوژی، رفتارهای کاری و سایر پیشرفت‌های کیفی، در زمان است و 5). افزایش تقاضا که افزایش ظرفیت استفاده از منابع را به دنبال دارد. بنابراین تأکید اصلی در جهت ابتکار و کیفیت است و ابتکار و کیفیت، در نقش پایه حرکت بهره‌وری، تغییر و استمرار را در بردارد (ویستا 1395)²



شکل 6: منبع: وبسایت بانک جهانی³

تغییرات ساختاری در اقتصاد سنگاپور

همان‌طور که اشاره شد با حرکت‌های جدی دولت سنگاپور اقتصاد این کشور گام‌های جدی را در دهه 90 میلادی برای تبدیل شدن به یک اقتصاد توسعه‌یافته برداشت. هم اکنون اقتصاد سنگاپور یک اقتصاد بسیار توسعه یافته است که بر اساس مبانی اقتصاد بازار و با محوریت تجارت آزاد شکل گرفته است. اقتصاد این کشور بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد به‌عنوان رقابتی‌ترین اقتصاد دنیا شناخته می‌شود. سنگاپور در سال 2014 هفتمین کشور کم فساد دنیا و یکی از بالاترین کشورهای دنیا به لحاظ شاخص انجام کسب‌وکار بوده است. اقتصاد این کشور اقتصادی با نرخ مالیات کم است (به‌عنوان مثال در سال 2012 درآمد مالیاتی دولت تنها 142 درصد کل GDP بوده است). که در میان کشورهای دنیا

1 - Singapore Productivity Organization

2- توسعه در گروه بهره‌وری، ویستا، بازدید شده در تاریخ <http://vista.ir/article/1395/5/24>

3- وبسایت بانک جهانی، سنگاپور، جمعیت، بازدید شده در <http://data.Worldbank.org/country/singapore>

بر اساس شاخص قدرت برابری خرید سومین کشور دنیا از لحاظ میزان سرانه تولید ناخالص ملی است (صندوق بین‌المللی پول: 2016)¹



شکل 7- نرخ مالیات برای شرکت‌ها (منبع: تریدینگ اکونومیست)²

همان‌طوری که در نمودار بالا مشخص شده است کشور سنگاپور با تسهیلات مالیاتی برای شرکت‌ها، تا حدود زیادی زمینه‌های فعالیت آن‌ها را فراهم کرده است. در اقتصاد سنگاپور کمپانی‌هایی که به‌طور غیرمستقیم متعلق به دولت هستند، نقش مهمی را بازی می‌کنند. بخش اعظمی از سهام کمپانی‌های بزرگی هم‌چون شرکت هواپیمایی سنگاپور، سینگ تل، شرکت مهندسی اس تی و مدیا کورپ متعلق به صندوق ثروت ملی سنگاپور موسوم به تماسک است. سنگاپور از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی در جهان است؛ با این وصف سنگاپور از سال 2006 نرخ مالیات برای فروش را بالا برد و از این راه کسب درآمدهای فراوانی را برای دولت امکان‌پذیر ساخت.



شکل 8- نرخ مالیات برای فروش (منبع: تریدینگ اکونومیست)³

نقش تجارت واسطه‌ای در جهش اقتصادی

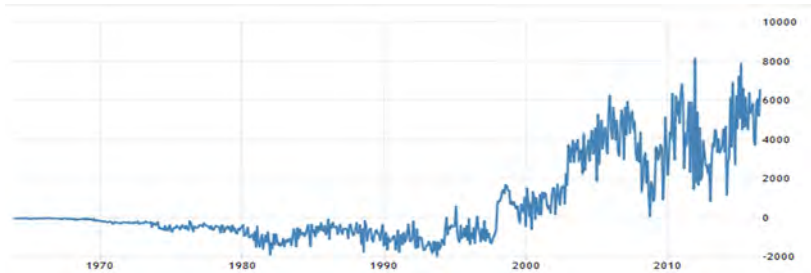
اقتصاد سنگاپور ساختار بسیار پیچیده‌ای داراست. این کشور کوچک با موقعیت ترانزیتی ویژه با واردات مواد خام و تولید محصولات خاص و صادرات مجدد آن‌ها نمونه بارزی از اقتصاد مبتنی بر تجارت واسطه‌ای است. سنگاپور دارای یک بندر استراتژیک و بسیار مجهز است که این کشور را نسبت به دیگر همسایگان خود در موقعیت برتری قرار داده و سنگاپور را به مرکز بازرگانی منطقه تبدیل کرده است؛ «بندر سنگاپور» به‌لحاظ تناژ سومین بندر پرکار دنیاست.

1- وب‌سایت صندوق بین‌المللی پول، پیشگیری از بحران در بازارهای نوظهور بازدید شده در 1395/4/15:

Crisis Prevention in Emerging Markets IMF-Singapore Government High level seminar

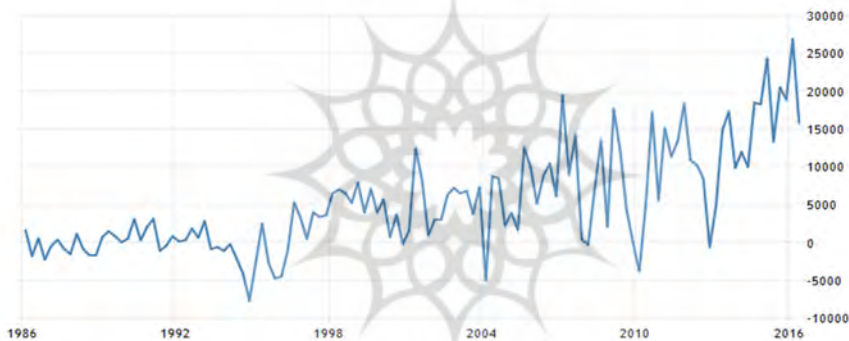
2 - <http://fa.Tradingeconomics. Com/singapore/labor-force-participation-rate>.

3 - <http://fa.Tradingeconomics. Com/singapore/labor-force-participation-rate>.



شکل 9 - نرخ موازنه تجاری در سنگاپور بین سال‌های 1970 تا 2015 (منبع: تریدینگ اکنومیست).¹

سنگاپور دارای نیروی کار بسیار ماهر و آموزش دیده‌ای است که نیازهای این کشور به نیروی کار ماهر را کاملاً برطرف می‌کند؛ به همین جهت سنگاپور بالاترین نسبت تجارت به GDP را در میان کشورهای دنیا دارد به طوری که میان سال‌های 2008 تا 2011 این نسبت برای سنگاپور 400 درصد بوده است (بانک جهانی 2016).²



شکل 10 - نرخ گردش سرمایه در تجارت در سنگاپور بین سال‌های 1986 تا 2016 (منبع: تریدینگ اکنومیست).³

نقش دولت در توسعه اقتصادی سنگاپور

برای حفظ جایگاه بین‌المللی سنگاپور و پیشبرد هر چه بیشتر چشم‌انداز اقتصادی این کشور در قرن بیست و یکم مقامات سنگاپور جهت ترویج نوآوری، گسترش و تشویق کارآفرینی، دوره‌های بازآموزی نیروهای کار و جذب استعداد‌های خارجی برنامه‌های مدونی را در پیش گرفته‌اند.



شکل 10 - نرخ تأمین اجتماعی در سنگاپور بین سال‌های 2006 تا 2016 (منبع: تریدینگ اکنومیست).¹

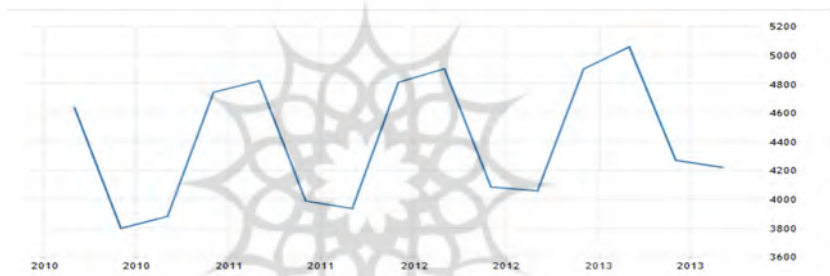
1 - <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/labor-force-participation-rate>.

2- وبسایت بانک جهانی، بازدید شده در 1395/4/19.

Global Financial Inclusion (Global Findex) Database, By Development Research Group, Finance and Private Sector Development Unit - World Bank, <http://data.Worldbank.org/country/singapo>.

3 - <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/labor-force-participation-rate>.

دولت با وجود کمبود نیروی کار متخصص اقدام به جذب نیروهای کار متخصص خارجی در سنگاپور نمود. به‌عنوان مثال برای جذب استعدادهای خارجی دولت سنگاپور اقدام به صدور گذرنامه‌های اشتغال برای افراد خارجی در سه گروه مجزا می‌کند. گروه اول کارکنان خارجی که سطح درآمد آن‌ها از هشت هزار دلار در ماه بیشتر است، گروه دوم کارکنان خارجی که سطح درآمد آن‌ها بین 4500 و 7999 دلار در هر ماه است و گروه سوم افرادی که درآمد ماهانه آن‌ها کمتر از 3500 دلار است. متخصصان خارجی که درآمد ماهانه آن‌ها از 18 هزار دلار بیشتر است یا دارندگان گذرنامه‌های عادی اشتغال، که سطح درآمد آن‌ها از 12 هزار دلار در ماه بالاتر است، واجد شرایط برای دریافت گذرنامه شخصی کار هستند که امکانات و دسترسی‌های بیشتری را نسبت به گذرنامه‌های عادی کار برای خارجی‌ها فراهم می‌کند. وزارت کار سنگاپور که مسئول نظارت بر نیروی کار مهاجر به سنگاپور است هدف از این اقدام را تلاش برای افزایش بهره‌وری در سنگاپور اعلام کرده است. کارشناسان معتقد هستند این قانون در رقابتی‌تر شدن محیط کار سنگاپور و افزایش توانایی این کشور برای مقابله با چالش‌های اقتصاد جهانی تأثیر بسزایی داشته است (بانک جهانی 2016-7).²



شکل 10 - نرخ دستمزد در تولید نیروهای خارجی در سنگاپور بین سال‌های 2010 و 2016

(منبع: تری‌دینگ اکونومیست).³

زمینه‌های پویایی اقتصاد سنگاپور

از سال 2000 به این سو، عوامل متعددی باعث دگرگونی جدی اقتصاد سنگاپور شد؛ اما در این میان جغرافیای این کشور و موقعیت مکانی این کشور بسیار حیاتی و مهم است. سنگاپور یک بندر بسیار کم ارتفاع دارد که به‌طور طبیعی از گزند آبهوای بسیار شدید تنگه «مالاکا» مصون است. این کشور هم‌چنین به لطف موقعیت جغرافیایی ویژه خود یعنی قرارگیری در مسیرهای اصلی دریایی به چین و ژاپن در شرق و اروپا و آمریکا در غرب و داشتن ویژگی‌های بندری، به‌همراه هنگ‌کنگ توانست به‌عنوان یک قطب مهم کشتیرانی، نقش ممتازی را در مبادلات تجاری جهان کسب کند. بسیاری از همسایگان سنگاپور نیز، از افزایش مبادلات تجاری در این کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی پیش‌روی کارگران مهاجر، از این مسئله منتفع شدند.

ادامه سیاست‌های لی‌کوآن‌یو

از استقلال سنگاپور تا دهه 90 میلادی لی‌کوآن‌یو¹ نخست‌وزیر سنگاپور بود. اولین وظیفه فوری و ضروری او برای سنگاپور فقیر و تازه استقلال یافته ایجاد شغل پایدار² بود. لی‌کوآن‌یو از سال 1959 و 1990 نخست‌وزیر سنگاپور بود، در

1 - <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/labor-force-participation-rate>

2- وب سایت بانک جهانی، بازدید شده در 1395/4/19

Global Financial Inclusion (Global Findex) Database, By Development Research Group, Finance and Private Sector Development Unit - World Bank, <http://data.Worldbank.org/country/singapore>.

3 - <http://fa.Tradingeconomics.Com/singapore/labor-force-participation-rate>.

جریان آزادسازی و استقلال سنگاپور از بریتانیا، ادغام با کشور همسایه‌اش مالزی و سپس جدایی از آن و همچنین در دوران تنش‌های نژادی قبل از تبدیل این دولت آسیای جنوب شرقی به یکی از «ببر»های اقتصاد آسیا، نیز پیشوای ملت بود. لی کوآن یو با 31 سال خدمت در مقام صدارت، رکورددار طولانی‌ترین نخست‌وزیری جهان است. لی کوآن یو در دولت دو تن از کسانی که بعد از او به مقام نخست‌وزیری رسیدند، از جمله پسر بزرگش، نیز وظیفه مشاور ارشد او را بر عهده داشت، تا این که در می‌سال 2011 استعفا داد.³ دولت سنگاپور در سال‌های 1960 به شدت با مشکل رکود و بیکاری مواجه بود. برای رفع این مشکلات، تغییر سیاست‌های وارداتی را دنبال کرد، اما به دلیل این که سنگاپور یک بازار داخلی کوچک، با منابعی محدود بود، این استراتژی عملی نشد و در نهایت دولت آن را بایگانی کرد. بنابراین، لی هیئت اقتصادی هون سوئی سن⁴ را تشکیل داد و با استفاده از راهبردهای «آلبرت وینسمیوس»⁵، اقتصاددان هلندی، سیاست قبلی خود را تغییر داد و با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استراتژی افزایش صادرات را در پیش گرفت. هدف دولت از اجرای این سیاست، تبدیل سنگاپور به یک «شهر جهانی» بود (Yew, 2000: 19-23).

توسعه زیرساخت‌های بندری سنگاپور

زیرساخت بندری سنگاپور بسیار منحصر به فرد است. با در نظر گرفتن حجم مبادلاتی که از طریق بندر سنگاپور انجام می‌شود، این بندر شلوغ‌ترین بندر جهان پس از بندر شانگهای در چین محسوب می‌شود. سنگاپور همچنین بخش خدمات بانکداری، مالی و بیمه خود را به شکل وسیعی توسعه داده است. این بخش صنعتی سنگاپور، با ارائه خدماتی نظیر اعتبارات تجاری و بیمه حمل‌ونقل، به بندر اصلی این کشور متصل شده است. به عنوان مثال، سنگاپور در سال 2013 میلادی موفق شد بندر توکیو در ژاپن را به عنوان برترین بندر مبادلات خارجی در آسیا، پشت سر بگذارد. سنگاپور حتی با وجود این که در قلمرو خود منابع طبیعی نظیر نفت در اختیار ندارد، با این حال اقدام به تأسیس پالایشگاه‌های نفت کرده است. به عنوان مثال، پالایشگاه نفتی «اکزون موبیل»⁶ در این کشور، یکی از 10 پالایشگاه بزرگ نفتی جهان محسوب می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از کمپانی‌های مطرح بیوتکنولوژی و داروسازی جهان، دفاتر آسیایی خود را در سنگاپور گشوده‌اند. امروزه، اهمیت بخش خدمات بهداشت و سلامت سنگاپور نیز به سرعت در حال افزایش است و سالانه مردم بسیاری از کشورهای مختلف جهان برای انجام عمل‌های جراحی گوناگون به این کشور می‌آیند (Lee, 2014: 54-55). با توجه به آمارها بندر سنگاپور نخستین و بندر هامبورگ دومین بندر در عرصه حمل‌ونقل دریایی و اقتصاد دریایی هستند که آمار بیشترین قوانین و بنادر و فناوری‌های دریایی استفاده شده را به خود اختصاص داده‌اند (Aleen, 2015: 13).

مبارزه با فساد در اقتصاد سنگاپور

سنگاپور به لطف داشتن چنین حکامی به‌طور مداوم در رده‌بندی کشورهای عاری از فساد اقتصادی، در رتبه‌های بالا قرار دارد. این کشور در سال 2014، رتبه هفتم جهان را در شاخص احساس فساد⁷ داشته است. سازمان بین‌المللی شفافیت⁸ با

1- Lee Kuan Yew.

2- Stable jobs.

3- لی کوآن یو به علت ذات‌الریه شدید از ماه فوریه 2015 در بیمارستان بستری شده بود تا اینکه در ماه مارس، دفتر نخست‌وزیر مرگش را اعلام کرد.

4- Economic Development Board chairman Hon Sui Sen.

5- Albert Winsemius.

6- Exxon Mobile.

7- Corruption Perception Index.

8- Transparency International.

هدف مبارزه با فساد تأسیس شد. این سازمان به صورت هر دو سال یکبار کنفرانسی با عنوان کنفرانس بین‌المللی ضد فساد¹ برگزار می‌کند. اولین کنفرانس در رابطه مبارزه با فساد در سال 1981 با 30 نماینده از کشورهای مختلف جهان در آمریکا و دهمین آن در سال 2001 و 160 نماینده از کشور مختلف جهان در چک برگزار شد. شاخص فساد اولین بار توسط سازمان بین‌المللی شفافیت در سال 1995 منتشر شد. این سازمان شاخص فساد را مانند سایر متغیرهای اقتصاد اندازه‌گیری و معرفی کرد. شاخص فساد² میزان فساد را از صفر تا 10 نشان می‌دهد. بر اساس این شاخص صفر بیشترین فساد و 10 کمترین فساد را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در سال 2001 فنلاند با 99 پاک‌ترین کشور و بنگلادش با 04 بیشترین فساد را در بین کشورهای مختلف جهان به‌خود اختصاص داده‌اند. نکته حائز اهمیت در این باره اندازه فساد است؛ به‌عبارت دیگر وجود فساد مدنظر نیست. به‌نظر بعضی از اقتصاددانان در همه کشورها فساد وجود دارد ولی درجه فساد در بین کشورها با هم متفاوت است. مقادیر عددی این شاخص‌ها نیز همگی درجه و اندازه فساد را نشان می‌دهند. درجه فساد برای کشورها مانند یک سرطان تعریف شده است که اگر دیر شود و به‌عنوان یک پدیده سیستماتیک در تمام ابعاد رسوخ کند مبارزه با آن امکان‌پذیر نیست. جدول شماره یک CPI و BPI را سال 1999 تا 2014 برای 21 کشور را نشان می‌دهد. در سال 1999 سه کشور سوئد، کانادا و سنگاپور با رقم 94، 92، 91 در بین 21 کشور پاک‌ترین کشورها و کشور روسیه با رقم 24 در بین 21 کشور مقام آخر را به‌خود اختصاص داده است. در سال 2000 سه کشور سنگاپور، سوئد و کانادا باز هم در بین کشورهای مورد بررسی در مقام اول تا سوم در ردیف پاک‌ترین کشور قرار گرفتند و مانند دوره قبل کشور روسیه با رقم 23 به‌عنوان بیشترین فساد در شاخص CPI در این بین معرفی شده است. از طرف دیگر شاخص BPI در سال 1999 تا 2002 نشان دهنده پاک بودن کشورهای سوئد، استرالیا، کانادا، سوئیس و اتریش است و باز هم بالا بودن فساد در روسیه را نشان می‌دهد (Hin, 2015: 24).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 - International Anti- Corruption Conferance.
2 - Corruption percentions Index.

جدول شماره (1): شاخص CPI و BPI در سنگاپور

CPI 2014	CPI 1999	BPI 2014	BPI 1999	نام کشور
9	94	84	83	سوئد
89	87	85	81	استرالیا
89	92	81	81	کانادا
78	76	82	78	اتریش
84	89	84	77	سوئیس
88	9	78	78	هلند
83	86	69	72	انگلستان
66	53	78	69	بلژیک
74	8	63	62	آلمان
76	75	53	62	آمریکا
92	91	63	57	سنگاپور
67	66	58	53	اسپانیا
67	66	55	52	فرانسه
71	6	53	51	ژاپن
5	51	34	39	مالزی
55	47	14	37	ایتالیا
59	56	38	35	تایوان
42	38	39	34	کره جنوبی
35	34	35	31	چین
79	77	34	-	هنگ کنگ
23	24	32	-	روسیه

منبع: www.Transparency.org

سنگاپور پس از 60 سال مبارزه بی‌وقفه توانسته فساد را در این کشور به حداقل برساند. به گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، این کشور بیش از یک دهه است که در بین پاک‌ترین دولت‌های دنیا قرار گرفته است. امروزه فساد در سنگاپور به‌عنوان «واقعیتی» در زندگی و نه «روشی» برای زندگی وجود دارد و بیشتر در سطح فردی مشاهده می‌شود تا به‌صورت سیستمی و سازمان یافته. در سال 2010 سنگاپور همراه با دانمارک و نیوزیلند جزو کم‌فسادترین ملت‌های دنیا قرار گرفت. هم‌چنین موسسه مشاوره ریسک سیاسی و اقتصاد که مقر آن در هنگ‌کنگ هست، در ده سال گذشته سنگاپور را در رتبه‌بندی خود در جایگاه نخست، کشوری با کمترین فساد، قرار داده است (Hin, 2015: 27).



نمودار 1- شاخص‌های فساد مالی در اقتصاد سنگاپور (2006-2016) (منبع: تری‌دینگ اکنومیس)¹

1- <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/corruption-index>.

البته باید اشاره کرد که سیاست‌های ضد فساد اقتصادی «لی کوآن یو» یکی از اهرم‌های موفقیت‌آمیز اقتصادی سنگاپور بود. این سیاست‌ها در داخل سبب ایجاد یک دولت کارآمد شد که این دولت توانست به خوبی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خود را پیاده‌سازی کند. این اقدام، هم‌چنین به جلب حمایت مردم این کشور از دولت منتهی شد. برخی بر این باورند که حکمرانی حزب PAP در عرصه سیاسی سنگاپور جنبه‌های منفی نیز داشت. اما در کل، این حزب ده‌ها سال در قدرت باقی ماند که این مسئله به ثبات هر چه بیشتر سیاسی و اجتماعی سنگاپور انجامید.

سیاست‌های راهبردی دولت در اقتصاد

سنگاپور یک اقتصاد بازار آزاد است، در این اقتصاد به صورت کنترل شده از سوی دولت، عرضه و تقاضا، قیمت و درآمد را مشخص می‌کند. با این حال، برخی دخالت‌های دولت در بازار و اعمال استراتژی‌های کارآمد سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساختی و همین‌طور در اختیار گرفتن کنترل برخی از شرکت‌های مهم، توانست ضمن حفظ رقابت، اقتصاد را مطابق با معیارهای مدنظر دولت نهادینه کند. بنابراین، دولت سیاست‌های راهبردی را در پیش گرفت، سیاست قبلی خود را تغییر داد و با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استراتژی افزایش صادرات را در پیش گرفت. هدف دولت از اجرای این سیاست، تبدیل سنگاپور به یک «شهر جهانی» بود. در سال 2000 سود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای سنگاپور به حدی بود که این کشور توانست سرمایه قابل توجهی را برای تأمین مالی و مدیریت تولید و همین‌طور تکنولوژی بازاریابی فراهم کند (Heathcote, 2014: 35).



شکل 3- رشد اقتصاد سنگاپور از سال 2000 تا 2016 (منبع: تریدینگ اکنومیست).¹

افزایش صادرات

سنگاپور درهای اقتصاد خود را به روی سرمایه‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی گشود تا بتواند به تکنولوژی، بازار و تجربه اقتصاد مبتنی بر بازار که فاقد آن بود، دست یابد. این کشور یک فضای باز کسب‌وکار را فراهم کرد و سه اقدام زیر را پایاپای پیش برد: 1- توسعه زیرساخت‌های صنعتی و فراهم آوردن خدمات مرتبط مثل تسهیلات اقامتی، حمل‌ونقل و مخابرات، 2- پیاده‌سازی برنامه آموزش پایه مبتنی بر مهارت‌های فنی روز برای عموم مردم و 3- با اتخاذ سیاست‌های مدیریت نیروی کار جدید و معرفی کشور به عنوان میزبانی مناسب برای جلب و جذب کشورهای چندملیتی، تلاش‌های سنگاپور با توجه به محیط بین‌المللی در آن دوره حمایت شد و تا پیش از بحران نفت رشد پایدار قرار داشت. پیوستن سنگاپور به GATT در سال 1973 نیز بازارهای جدید را به روی صادرات این کشور گشود. حاصل این تلاش‌ها، رشد

1 - <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/stock-market>.

متوسط اقتصادی 10 درصدی آن در فاصله سال‌های 1965-80 بود (Hin, 2015: 27). سنگاپور استراتژی تغییر ساختار اقتصاد خود را از فعالیت‌های کاربر و با ارزش افزوده کم به فعالیت‌های سرمایه‌بر و با ارزش افزوده بالا در پیش گرفت. موارد زیر از جمله نتایج این تغییر استراتژی است: 1- طرح مشوق‌های مالی برای ترغیب اتوماسیون و مکانیزاسیون، 2- ارتقای بهره‌وری از طریق برنامه‌ها و مشوق‌های مختلف و 3- حمایت جدی از صنایع مبنی بر تکنولوژی‌های جدید مثل تولید لوازم جانبی کامپیوتر و ماشین‌های اداری (Heathcote, 2014: 35). سیاست‌های جدی برای کاهش هزینه‌ها به اجرا درآمد، از جمله کاهش پس‌اندازهای اجباری قبلی که مطابق قانون دولت در گذشته وضع شده بود و همچنین کاهش مالیات شرکت‌ها و اتخاذ سیاست‌های جدید دستمزد در سطح ملی. اتخاذ این سیاست‌های هزینه، همراه با افزایش تقاضای خارجی، به بهبود اقتصاد سنگاپور کمک کرد. اقتصاد سنگاپور در سال 2000 معادل 23 و در سال 2014 برابر با 97 درصد رشد کرد (Heathcote, 2014: 35)

دولت پاک دست سنگاپور با استفاده از یک رویکرد عملی توانست یک برنامه تشویقی برای جذب شرکت‌های چندملیتی جهت فعالیت در سنگاپور راه‌اندازی کند. این طرح شامل تصویب قوانینی برای کاهش هزینه‌های کارگری، کاهش جدی مالیات، نرخ پایین تعرفه‌ها و کاهش تعرفه‌های گمرکی برای صادرات و واردات و همین‌طور تسهیلات اعطای زمین و نیروی کاری منظم‌تر می‌شد. دولت همچنین سیاست‌هایی را جهت کاهش مقررات دست‌وپاگیر اعمال کرد. در همین راستا، با اجرای سیاستی موسوم **One-Stop-Shopping**، که طی آن فرآیند رسیدگی به درخواست‌های ترخیص کالا به سه هفته کاهش می‌یافت، به روند مثبت سفارش‌ها صادرات و واردات شتاب بیشتری بخشید. علاوه بر این، دولت همچنین برای حصول اطمینان از اجرا و نظارت بر سیاست‌های خود، سازمان‌های نظارتی جدی تأسیس کرد که یکی از نمونه‌های قابل ذکر را می‌توان تأسیس هیئت توسعه اقتصادی (EDB) در سال 2010 میلادی دانست. شکل زیر رشد تجارت در سنگاپور از سال 1970 تا 2012 را به تصویر می‌کشد:



شکل 4- صادرات سنگاپور از سال 1970 تا 2012 (منبع: تریدینگ اکنومیست)¹

مهم‌ترین بازارهای صادراتی سنگاپور بر اساس آمار سال 2014 عبارتند از: آمریکا، مالزی، هنگ‌کنگ، ژاپن، تایلند، انگلستان، کره جنوبی، آلمان، ایرلند شمالی که در جدول روند صادرات سنگاپور مهم‌ترین بازارهای صادراتی سنگاپور بر اساس اهمیت و مقدار صادرات به آن‌ها قابل بررسی می‌باشند؛ ساختار صادرات سنگاپور نشان می‌دهد که در ترکیب صادرات سنگاپور، ابزارآلات الکترونیکی، کامپیوتر و قطعات کامپیوتری، نقش بسیار مهمی داشته و بیش از 63 درصد از صادرات سنگاپور در سال‌های (2000 تا 2014)، به این کالاها اختصاص داشته است و بعد از این ترکیب کالایی،

1- <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/exports>

ترکیباتی نظیر محصولات نفتی، مواد شیمیایی، ماشین آلات غیر الکتریکی صنعتی و تولیدات صنعتی دیگر به ترتیب سهم مهمی در صادرات سنگاپور را به خود اختصاص می‌دهند (Rogers, 2015: 41).

دولت پاک‌دست و تداوم سیاست‌گذاری

لی پدر توسعه سنگاپور، مشکل کشور بحران‌زده و ضعیف فیلیپین را داشتن دموکراسی بیش از حد می‌دانست. زمانی که رهبران فیلیپین از او برای سروسامان دادن کشورشان مشاوره خواستند به صراحت آزادی و بی‌بندوباری لجام‌گسیخته حاکم بر این کشور را عامل اصلی مصیبت‌های فیلیپین دانست. با افزایش قدرت مالی مردم سنگاپور و توانایی تأمین نیازهای اولیه‌ای همچون مسکن، تحصیل و بهداشت، آن‌ها پذیرفتند در قبال دستیابی به ثبات، نظم و آینده‌ای نویدبخش و مطمئن، به برخی محدودیت‌ها و کاهش برخی آزادی‌های مدنی تن دهند. «لی کوآن یو» با ایجاد «صندوق آتیه» کاری کرد تا تمام مردم این کشور هر ماه بتوانند مبلغ قابل توجهی از درآمدهای ماهانه خود را پس‌انداز کنند تا بتوانند از مسکن همگانی و نظام سلامت باکیفیت بهره‌مند شوند. امروز نظام درمانی و آموزشی در این کشور جزو بهترین نظام‌های سلامت و آموزش در جهان محسوب می‌شود (Rogers, 2015: 41).



شکل 7- اوراق قرضه دولت سنگاپور از سال 2001 تا 2016 (منبع: تریدینگ اکونومیست).¹

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد بود به عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های 2000 تا 2016 بپردازد. بر این اساس فرضیه پژوهش این‌گونه شکل گرفت که: موقعیت ممتاز جغرافیایی سنگاپور در قلب کشورهای آ.سه. آن، نیروی کار متخصص، توجه به نظام آموزشی، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و ورود کنترل شده دولت به بخش اقتصاد و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی از عوامل اصلی توسعه اقتصاد سنگاپور بوده است. در این تحقیق به نظریات دولت، توسعه و نقش دولت در پویایی اقتصاد پرداخته شد. بر این اساس سعی شد نظریات جوزف استیگلیتز، استاد اقتصاد دانشگاه کلمبیا و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال 2001، مورد تحقیق قرار گیرد. بر اساس نظر وی عواملی مانند توسعه سازمانی-دولتی، ساختار ژئوپلیتیکی، تشویق به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری توسط دولت و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و بنادر در سنگاپور نقشی اساسی در پیشرفت این کشور داشته‌اند. وی توسعه سنگاپور را مرهون سیاست‌های این کشور در کاهش نابرابری اقتصادی می‌داند. بر اساس نظریات استیگلیتز نظام مالیاتی در سنگاپور و راه‌اندازی «صندوق آینده‌نگر» تأثیر چشم‌گیری در توزیع عادلانه درآمد و به تبع آن جهش اقتصادی سنگاپور داشته‌اند. بر همین اساس نشان دادیم که طبق قوانین، 36

1- <http://fa.Tradingeconomics.com/singapore/exports>.

درصد درآمد افراد جوان در صندوقی ذخیره می‌شود تا بعدها به‌عنوان منبعی برای پرداخت هزینه‌های بیمه سلامت، مسکن، و بیکاری باشد. نابرابری اقتصادی منتهی به نابرابری در توزیع قدرت می‌شود و جامعه‌ای که در آن توزیع ثروت عادلانه‌تر است، شهروندان قدرت بیشتری داشته و رانت‌خواری که یکی از بازدارنده‌های توسعه اقتصادی است رواج کمتری دارد. توسعه اقتصادی سنگاپور دلایل چندی داشت که یکی از آن‌ها ثبات در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی از سوی دولت بود. بر اساس یافته‌های پژوهش عواملی مانند توسعه سازمانی دولتی، ساختار ژئوپلیتیکی تشویق به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و بنادر در سنگاپور نقشی اساسی در پیشرفت این کشور داشته‌اند. نظام مالیاتی و راه‌اندازی «صندوق آینده‌نگر» تأثیر چشمگیری در توزیع عادلانه درآمد و به‌تبع آن جهش اقتصادی سنگاپور داشته است. اما شاید یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه اقتصادی سنگاپور طی 40 سال اخیر نظام آموزش همگانی و کارآمد این کشور است. به‌طور کلی از لحاظ توسعه اقتصادی، پنج دوره در اقتصاد سنگاپور وجود داشته است: نخست، تأکید بر تکنولوژی کاربر و سیاست صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات (1959 تا 1965)، دوره دوم تأکید بر تکنولوژی کاربر و سیاست صنعتی شدن از طریق افزایش صادرات (1966 تا 1973)، سوم نخستین تلاش برای ارتقای اقتصادی (1973 تا 1978)، چهارم بازسازی ساختارهای اقتصادی (1979 تا 1984) و دوره پنجم، مستحکم‌سازی و متنوع کردن هرچه بیشتر اقتصاد (1980 تا 1990). سنگاپور توسعه چشمگیر خود را مدیون قوانین سخت و دولت سالمی است که «لی کوآن یو» پدر سنگاپور مدرن با سیاست‌های شایسته خود آن‌را پایه‌ریزی کرد. کوآن یو را باید با این تفسیر معمار سنگاپور مدرن دانست. موقعیت ترانزیتی سنگاپور و نقش این کشور کوچک در قیمت‌گذاری قیمت نفت خام جهانی نیز یکی از دلایل پویایی اقتصاد این کشور است. این عامل یکی دیگر از عوامل مهم در تبدیل شدن سنگاپور به قطب اصلی اقتصاد جهان بخش حمل‌ونقل این کشور است و یکی از منابع مهم درآمد این کشور ترانزیت کالا است. داشتن زیرساخت‌های قوی و مستحکم به‌همراه حاکمیت قوی و برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه از جمله عوامل مهم رشد این بخشی است. سنگاپور در حال حاضر بنابر آمارهای منتشر شده از سوی بانک جهانی، پنجمین کشور دنیا از نظر امنیت سرمایه‌گذاری است که یکی از دلایل این امر داشتن زیرساخت‌های قوی در بخش حمل‌ونقل است؛ برهه‌های آسیایی (متشکل از هنگ‌کنگ، سنگاپور، تایوان و کره جنوبی) از آغاز دهه 1960 تا دهه 1990 میلادی، رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کردند؛ اما مهم‌ترین شاخصه مشترک میان این کشورها نحوه استفاده آن‌ها از مبادلات تجاری یکپارچگی و پیوستن به اقتصاد جهان برای رسیدن به رشد اقتصادی است. سنگاپور در واقع یک اقتصاد مبتنی بر بازار است که در آن عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کنند. معمار سنگاپور نوین «لی کوآن یو» است؛ مردی که موفق شد سنگاپور را از یک کشور درحال توسعه به قطبی پررونق در تجارت بین‌المللی تبدیل کند. در سال 1959 زمانی که لی زمام امور را در دست گرفت، سرانه تولید ناخالص داخلی سنگاپور 4 دلار بود. در سال 1990 هنگامی که او پس از نزدیک به 30 سال از این سمت کناره‌گیری کرد؛ درآمد سرانه به بیش از 12 هزار دلار در سال رسیده بود. بر پایه آمار منتشر شده از سوی بانک جهانی در سال 2015 سرانه درآمد تولید ناخالص داخلی سنگاپور بیش از 70 هزار دلار یعنی 25 درصد بیش از کشور مانند آلمان بوده است. توسعه سنگاپور درس‌های فراوانی برای کشورهایی نظیر ایران دارد. به‌ویژه نظام آموزشی سنگاپور که توسعه و پویایی اقتصاد سنگاپور را طی 40 سال اخیر از سطحی معادل سایر کشورهای در حال توسعه، به سطح کشورهای توسعه یافته ارتقا داد. این بهبود کیفیت طی سه مرحله از سال 1959 صورت گرفته است که طی مرحله اول، نخست‌وزیر آن زمان نظام آموزشی ملی این کشور را بنا نهاد. طی مرحله دوم اصلاحات نظام آموزشی جدیدی معرفی شد که تمرکز بیشتری روی تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی متخصص برای کشوری که از کمبود

این نیرو رنج می‌برد داشت. طی مرحله سوم این دگردیسی آموزشی، تمرکز بیشتر روی مؤسسات آموزش عالی و بهبود کیفیت دانشگاه‌ها بود. این تغییر با تشویق دانشجویان خارجی به تحصیل در دانشگاه‌های سنگاپور ارتباط بیشتر دانشگاه‌های این کشور با دانشگاه‌های سایر کشورها و سرمایه‌گذاری بیشتر در مراکز تحقیقاتی صورت گرفت. طی همین دوره ایده‌هایی نظیر تفکر خلاق و تدریس کمتر یادگیری بیشتر در سطح مدارس اجرا شد. در مجموع این تغییرات کمک شایانی به توسعه منابع انسانی در سنگاپور و تأمین نیروی کار متخصص برای به حرکت در آوردن چرخ‌های صنعت در این کشور کرد، نمی‌توان با قطعیت گفت کدام‌یک از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در سنگاپور بیشترین تأثیر را در پیشرفت این کشور داشته است؛ یا این که آیا این سیاست‌گذاری‌ها در سایر کشورها قابل پیاده هستند یا نه، ولی در نقش مجریان این کشور در این موفقیت شکی نیست. دولتمردان کشوری مانند سنگاپور از لحظه استقلال در سال 1965 چند استراتژی را به آزمون گذاشتند. با این وصف، عامل اصلی در فرآیند توسعه سنگاپور، نقش دولت در تأمین انگیزه‌های لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی و توسل به سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد «هیئت توسعه اقتصادی» بود که برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه جهت‌گیری آتی اقتصاد بین‌المللی را انجام می‌داد. بر این مبنا، در سنگاپور نیز، دولت از طریق نهادسازی مناسب و تقویت کارآمدی نظام اداری توانست روند توسعه کشور خود را هموار کند. مدیریت دولتی و به‌طور کلی، نظام اداری کارآمد به‌عنوان ابزار اصلی دولت توسعه‌خواه سنگاپور در شرایط با ثبات سیاسی و انسجام قوی اجتماعی، شرکت‌ها و مؤسسات چندملیتی را متقاعد کرد که سنگاپور، مکانی مناسب برای سرمایه‌گذاری و تولید است. به‌صورت دقیق نمی‌توان عامل و یا عواملی را با عنوان عوامل اصلی توسعه یک کشور مشخص کرد، اما با این‌وجود بر اساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین عوامل در پویایی اقتصاد سنگاپور از سال‌های 2000 تا 2015 عبارتند از: ثبات سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی ملهم از بافت سیاسی، شرایط تجاری مناسب از جمله نیروی کار ارزان، تکثیر گفت‌وگو اجتماعی توسعه در میان شهروندان، نیروی کار تحصیل کرده و مسلط به زبان انگلیسی و جذب نیروی کار خارجی متخصص، قوانین اجتماعی و زیست محیطی طرفدار تجارت، بنادر پر رفت و آمد زیرساخت عالی حمل‌ونقل و ارتباطات، سیاست مالی باثبات، تورم اندک و مطلوب و سایت‌های مالی تشویق‌کننده. پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی: پژوهش بر روی شاخص‌های توسعه انسانی در سنگاپور؛ تحلیل موقعیت ژئواستراتژیک سنگاپور و نقش آن در جغرافیای سیاسی آسیا پاسیفیک؛ پژوهش بر روی الگوبرداری نظام سیاسی ایران از سنگاپور؛ پژوهش بر روی تغییر ارزش‌های اجتماعی مردم سنگاپور در مورد توسعه

1. استیگلیتز، جوزف («الف» 1382)، **جهانی‌سازی و مسائل آن**، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
2. استیگلیتز، جوزف («ب» 1382)، به سوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه دکتر اسماعیل مردانی، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره 95، 196.
3. اسنون، برایان (1383)، **راهنمای نوین اقتصاد کلان**، ترجمه منصور خلیلی عراقی، انتشارات برادران.
4. شیرزادی، رضا (1389)، دولت و توسعه سیاسی در مالزی، **مطالعات سیاسی**، پاییز، شماره 9.
5. شیرزادی، رضا (1392)، دولت و توسعه در هنگ‌کنگ، **علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج**، زمستان، شماره 25.
6. شیرزادی، رضا (1390)، **نوسازی، توسعه، جهانی شدن**، تهران: انتشارات آگه.
7. شیرزادی، رضا (1391)، توسعه و توسعه انسانی در قطر، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال پنجم، شماره 18.
8. شیرزادی، رضا (1394)، عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی، جستارهای سیاسی معاصر، **دو فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معاصر**، دوره 6، شماره 16، تابستان.
9. گمیل، آندره، پل، والتون (1385)، **سرمایه‌داری در بحران**، انتشارات ما.
10. میدری، احمد (1383)، **تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب**، در **حکمرانی خوب بنیان توسعه**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
11. میدری، احمد (1385)، **خصوصی‌سازی یا رشد ارگانیک بخش خصوصی**، **مجله چشم‌انداز ایران**، شماره 39.
12. وودوارد، دیوید (1375)، **تعدیل اقتصادی**، ترجمه غلامرضا آزاد و محمود محمدیان، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
13. یوسفی، محمدقلی (1386)، **بررسی علل شکست سیاست‌های تعدیل در فرآیند توسعه اقتصادی**، **مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره 232.

1. Adelman, Irma (1999), **the Role of Government in Economic Development**, California Agricultural Conomics.
2. Aleen, Negoya (2015) **what makes Singapore's port one of the world is busiest, Singapore Government**, Transport Matters, Bureau of Economic and Business Affairs:
3. Crisis Prevention in Emerging Markets IMF-Singapore Government High level seminar, Singapore, July 10-11, 2016.
4. Furman, Jason & Stiglitz, Joseph (1998) **Economic Crises: Evidence and Insights from East Asia**.
5. Global Financial Inclusion (Global Findex) (2014), Database 2014 By Development Research Group **Finance and Private Sector Development Unit - World Bank**

6. Heathcote, Andrew (15 April 2014), "Tax havens: Brett Blundy latest to join the Singapore set" **Business Review Weekly**, Digital Media, Retrieved 18 April 2013.
7. Hill, Michael (1995), **Kwen Fee Lian, Ed. The Politics of Nation Building and Citizenship in Singapore**. Routledge. ISBN 0-415-12025-X.
8. Hin, Koh Teck (2015) **CORRUPTION CONTROL IN SINGAPORE: (Operations)**, Corrupt Practices Investigation Bureau (CPIB), Singapore.
9. <http://data.Worldbank.org/country/singapore>
10. <http://data.Worldbank.Org/country/singapore>.
11. <http://www.IMF.Org/external/np/seminars/eng/2011/mas/>.
12. <http://www.IMF.org/external/np/seminars/eng/2016/cpem/>
13. <http://www.IMF.Org/external/ns/search.aspx?NewQuery=singapor&submit=>
14. <http://www.Mot.gov.sg/Transport-Matters/Sea/What-makes-Singapore-s-port-one-of-the-world-s-busiest/>
15. http://www.unafei.or.jp/english/pdf/RS_No83/No83_17VE_Koh1.pdf
16. IMF (2000), **World Economic Outlook**.
17. King, Rodney (2008) **the Singapore Miracle, Myth and Reality**. Insight Press. ISBN 0-9775567-0-0.
18. Kolodko, Grazegorz (1999) **Ten Years of post-Socialist Transition: Lissons for Policy Reforms**, The Wold Bank, Policy Research Working Paper, Washington D. C.
19. Lee Kuan Yew (2000), **From Third World to First – The Singapore Story (1965–2000)**. **Times Edition**. pp. 66–88. ISBN 981 204 984 3.
20. Lee Kuan Yew (2000) **From Third World to First: The Singapore Story: 1965–2000**. New York: HarperCollins. ISBN 0-06-019776-5.
21. Mauzy, Diane K & Milne, R. S (2012) **Singapore Politics: Under the People's Action Party**. Routledge. ISBN 0-415-24653-9.
22. Rogers, Simon & Sedghi, Ami (15 April 2015), "How Fitch, Moody's and S&P rate each country's credit rating" **The Guardian Singapore GDP Growth Rate**, 2015, <http://www.tradingeconomics.com/singapore/gdp-growth>
23. Stiglitz, Joseph (1998), **More Instrument and Bearder Goals: Moving Toward the Post-Washington Consensus**, **WIDER Annul Lecture**.
24. Stiglitz, Joseph (1999/a) **Promoting Competition and Regulatory Policy**, Beijing, China.
25. Stiglitz, Joseph (1999/b) **Whither Reform. Ten Years of Transition**, World Bank, Washington D. C.
26. Stiglitz, Joseph (2003) **Lessons from the Financial Crisis in Asia**, Colombia University.
27. Tan, Kenneth Paul (2007) **Renaissance Singapore? Economy, Culture, and Politics**. NUS Press. ISBN 978-9971-69-377-0.
28. **The Global Economic Outlook and Asia's Role in the Global Economy**.
29. U-Wen, Lee (9 January 2014), "PSA Int'l 2013 container throughput up 2.9%". **The Business Times**. Singapore. p. 22.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انسانی